

سُورَةُ الْأَنْعَامِ ٦

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی کران
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ۚ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ
يَعْدِلُونَ



ستایش سزاوار ذاتِ خداست که او خالقِ ارض و کُلِّ سماست
قرار داده از حکمتش آن غفور ز تاریکی و ظلمت و هم ز نور
ولی باز شرک آورند کافران به پروردگار و خدای جهان
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۚ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ۚ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ



بود او که از گل نمود خلقتان و عمر و اجل مهلت است بهرتان
معین بود مهلت از بهر کس چنین علم نزد خدا هست و بس
پس آرید تردید و شک زین امور از این حکمت ایزدی گشته دور
وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ ۚ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ



خدا ناظر است بر سماء و زمین ز اسرارِتان آگه است اجمعین
هم او عالم است بر خفی و عیان ز هر چیز آرید به دست مردمان!

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ



و نازل نگشت آیه ز آیاتِ حق که بوده هدایت بر آن منطبق
مگر آنکه تکذیب کردند ز کین زِ جهل کافران و همه مُعرضین

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ



دروغین بخواندند حقّ مُبین زِ آیین و دینی که بود راستین
چو ریشخند بکردند آیاتِ ناب فسانه بخواندند این سان کتاب
خبرها بر آنان رسد بی گمان که چونان بگردیده فرجامشان

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ ۖ وَأَرْسَلْنَا
السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مَدْرَافًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ
بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ



ندیدی که قبلاً بکردیم هلاک؟ زِ اقوامی اندر قرون روی خاک
بر ایشان بدادیم ما مال و جاه ندادیم شما را چنان هیچ گاه
فرستاده بارانِ وافر گران که جوها بگردید هر سو روان
چو کردند جفا و گنه بی شمار هلاکت بدادیم سپس آشکار
نمودیم قومی دگر در زمین پدیدار گشته، شدند جایگزین

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ
مُبِينٌ



و گر بر تو نازل نماییم کتاب که باشد ز کاغذ همه فصل و باب
پس آن را کنند لمس با دستشان بگویند باز از عناد کافران
که این نیست جز جادویی زبده کار ز سحرست که گشته چنین آشکار

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَفُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يَنْظُرُونَ



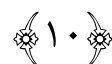
بگفتند، چرا بر رسول اله؟ نیامد ملک نزد او هیچ گاه؟
اگر که فرستیم ملک سوی خاک نیابند مهلت، بگردند هلاک

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ



به حکم رسالت اگر یک ملک به شکل بشر آمدی از فلک
بیپوشانده جامه بر اندام آن لباسی مثال همه مردمان

وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالذِّينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ



به دوران ماقبل تو آن رسل شدند مسخره نیز از جزء و کل
ولیکن از این کار، اقوام دون عقوبت بدیدند، شدند سرنگون

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ



بگو طی نمایید زمین در سفر نظاره کنید جابه جا مستمر
که چونان بگردید سرانجامشان چو تکذیب کردند خدای جهان

قُلْ لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلْ لِلَّهِ ۚ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ ۚ لِيَجْمَعَ كُفُّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

رسولا! سؤال کن از این جاهلین که مُلکِ که باشد سماء و زمین؟
 به پاسخ بگو نیز مُلکِ خداست و رحمت ز ایزد فرضی بجاست
 کند جمع شما را همه اجمعین به روز قیامت که آید یقین
 پس آنان که باشند زیانکار دین نیارند ایمان به دین مُبین

﴿ وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۚ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾

تعلق بدارند همه چیز به رب چه در روز سکنی^۱ گزینند، چه شب
 بود ذاتِ پاکِ خدای کریم به کلّ امورات سمیع و علیم
 قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ۚ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ
 أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو من بگیرم به غیر از اله؟ یکی سروری بهر خود هیچ‌گاه؟
 چو او خلق فرموده است اجمعین همه آسمان، هم بساطِ زمین
 دهد روزی او نیز بهر طعام ولیکن مُبرّاست ز قوت و ز کام
 بگو ای رسول! من شدم اولین که گشتم مسلمان هم اندر زمین
 و هرگز نگردم من از مشرکین هم آنها که باشند از غافلین

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

بگو گر بپیچم سر از ربّ خویش بترسم عذابی که آید به پیش
 به روز قیامت که باشد عظیم عقابی ببینم به عمقِ جحیم

مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ ۚ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

﴿۱۶﴾

هر آن کس مُبرّی شود از عذاب به هنگامه‌ی حشر و روز حساب
شده شامل رحمتِ کردگار سعادت نصیبش شده آشکار
وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بُضْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بَخِيرٌ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۱۷﴾

ضرر گر ببینی ز پروردگار نیابی رهایی جز از کردگار
شوی مُنتفع گر بیابی تو سود ز ذاتِ خدا هست و ربّ و دود
که او هست توانای مطلق‌عنان قدیر است و قادر هم اندر جهان
وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

﴿۱۸﴾

خدا چیره هست بر سر بندگان حکیم است و آگاه ربّ جهان
قُلْ أَىٰ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ
بِهِ وَمَنْ بَلَغَ ۖ أَتُنْكُم لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَىٰ ۚ قُلْ لَا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ
وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِىءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

﴿۱۹﴾

بپرسا! کجا هست اعلا گواه؟ که باشد فزون‌تر ز حکمِ اله
همو شاهدست بین من و شما کند وحی آیاتِ قرآن، خدا
که یابید تذکر مگر جملگی و هر که بیپوید ره بندگی
چو ابلاغ قرآن رسد بر همه بگیرند پند و شوند موعظه
شهادت دهید نیز در روزگار؟ که باشد خدایانی جز کردگار؟

بگو من نیارم شهادت چنین بگو نیست ربی به جز او یقین
 برأت بجویم من از کارتان ز شرکی که آرید از جهلتان
 الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ ۚ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا
 يُؤْمِنُونَ

﴿۲۰﴾

بر آنها که اعطا نمودیم کتاب ز تورات و انجیل و آیات ناب
 شناسند نبی را چو اولاد خویش فکندند بر خود زیان‌هایی بیش
 چو ایمان نیاورده از حقد و کین به آیات ما در کتاب مبین
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

﴿۲۱﴾

چه کس باشد او نیز ظالم‌ترین؟ که بندد دروغ بر خداوند چنین
 کشاند به تکذیب آیات ناب هر آنچه خدا گفته اندر کتاب
 نبینند نجات و فلاح ظالمان چنین بندگان و ستم‌پیشگان
 وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

﴿۲۲﴾

به حشر تا که آیند جمع، مردگان بپرسیم سؤالی ز آن مشرکان
 کجایند آنها که خواندید اله؟ گرفتید شریک بر خدا از گناه
 ثُمَّ لَمْ يَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ

﴿۲۳﴾

پس آنگاه گویند دروغ مشرکین بهانه و عذر آورند این‌چنین

که ما شرک نیاوردیم اندر جهان نبودیم مشرک چو ناباوران

أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

﴿۲۴﴾

نظاره نما تو بر اظهارشان به تکذیب کشاند آن نفسشان
هر آنچه بستند به یزدان دروغ بگردیده محو و بشد بی فروغ

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۖ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

﴿۲۵﴾

رسولا! بر آنچه نمایی بیان دهند گوش جمعی از آن جاهلان
ولیکن نهادیم حجابی عظیم به دل‌های آنان که بوده لثیم
که فهمی نیابند از گفته‌ها بگردیده کر نیز از نکته‌ها
ببینند اگر جمله آیات ناب نیارند ایمان به دین و کتاب
و حتیٰ نمایند با تو جدل بگویند ز جهل نیز حرف دغل
که هر چه بخوانی بود آن فسون ز دوران قبل آمده در قرون

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ ۖ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

﴿۲۶﴾

نمایند محروم ز فیض، خویشتن و محروم کنند دیگران با سخن
ز غفلت ندانند رسند بر هلاک فلاکت ببینند بسی هولناک

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

﴿۲۷﴾

نظاره نمایی گر احوالشان زمانی که آیند بر آتش میان
 ز حسرت بگویند همی این چنین که ای کاش! رویم باز سوی زمین
 به تکذیب نیاریم آیات دین بیاورده ایمانی چون مؤمنین
 بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

﴿۲۸﴾

بگویند چنین، چون ببینند عیان بر آنچه که کردند کتمان آن
 بیایند به دنیا اگر باز هم کنند باز اعمال زشت و ستم
 ز هر چه که نهی بوده اندر جهان چو باشند دروغگو و از کاذبان
 وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

﴿۲۹﴾

بگفتند نباشد حیات بعد از این نگردیم مبعوث دگر واپسین
 وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۖ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ ۚ قَالُوا بَلَىٰ ۖ وَرَبَّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ
 بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

﴿۳۰﴾

بینی رسولا! که با اضطرار چو آیند حضور خداوندگار
 بپرسد ز ایشان خدا با عتاب که برحق نیافتید روز حساب؟
 بگویند یقیناً که می بوده راست به حق همان که خداوند ماست
 براند خداوند به ایشان عتاب چشید کافران! مزه های عذاب
 قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ ۖ بَغْتَةً ۖ قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا
 فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ ۖ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۖ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

﴿۳۱﴾

زیانکار آن کس که خواند دروغ لقای خداوندگار در فروغ
 به وقتی که آید فرا یوم دین بگویند با حسرتی آتشین
 ز دست داده‌ایم ما جوارِ اله بود پشت ما کوله‌بارِ گناه
 چنین بار باشد عظیم و گران به پشت همه جاهل و کافران

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۖ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

﴿۳۲﴾

نباشد در این زندگیِ جهان به غیر از دغل‌بازیِ ابلهان
 سرای پسین لیک بس بهتر است بر آنان که تقوایشان رهبر است
 تعقل نورزید شما مردمان؟ که اندیشه آرید به فرجام آن؟

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ ۚ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

﴿۳۳﴾

رسولا! بدانیم که این جاهلان بخوانند دروغ گفته‌هایت عیان
 مباش دل‌غمین تو ز این ظالمان که تکذیب بیارند ز جهل گران
 نه تنها تو را، بلکه آیاتِ حق بخواندند دروغین این‌سان فرق

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا ۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَّبَاِ الْمُرْسَلِينَ

﴿۳۴﴾

بکردند چنین ماسبق با رسل که بودند هادی حق در سبل
 علیرغم تکذیب آن منکران صوری گزیدند پیغمبران
 بیامد سپس نصرتِ ما میان بدیدند یاری رسل در امان
 چو تغییر آیات باشد محال کلام خداوند و آن ذوالجلال

رسیده به تو قصه‌ی مرسلین ز ایشان و از اُمتان در زمین

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بَأْيَهُ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى ۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

﴿۳۵﴾

اگر هست اعراضشان بس بلند کنند خاطرت را رسولا! نژد
توانی زمین را کنی حفرِ چاه و یا سازی یک نردبان سوی ماه
که آری مگر آیتی را نشان برای هدایت بر آن جاهلان
خدا گر که خواهد برای فِرَق هدایت نماید خودش سوی حق
مبادا! که باشی دگر دل‌نژد چو آن جاهلانی کز او غافلند

﴿۵﴾ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۖ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

﴿۳۶﴾

قبولت نمایند زنده‌دلان پذیرند کلامت هم از دل و جان
بگردند مبعوث همه مردگان کنند رجعت آخر به ربّ جهان
وَقَالُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۳۷﴾

بگویند کفار ز جهل و ز کین نیاید چرا آیتی بر زمین؟
بگو ای پیمبر! خدا قادر است و آیات او هر کجا ظاهر است
ولی غافلاند در شک و ظن بمانند عاجز ز این‌سان سخن
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ ۚ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

و جنبنده‌ای نیست اندر زمین و یا که طیور با دو بال اجمعین
مگر آنکه مثل شما اُمّتند دلالت همه بر همان صانعند
نکردست اغماض کتابِ مُبین نکاتی ظریف و لطیف این‌چنین
سرانجام بگردند محشور به حق سوی ربّ خود می‌شوند منطبق
و بازگشتِ آنها سرانجام کار همی باشدی سوی پروردگار

وَالَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا صُمُّ وَبَكُمُ فِي الظُّلُمَاتِ ۖ مَنْ يَشِإِ اللَّهُ يُضِلِّهِ وَمَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و آنان که خوانند دروغ آیه‌ها کر و لال و کورند به ظلمت رها
به هر کس بخواند ز حکمتِ اله به گمراهی افتد همی از گناه
و هر کس بخواند خدای رحیم کند او هدایت ره مستقیم

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بپرس ای پیمبر! تو از کافران گر آید عذاب از خدا ناگهان
و یا گر اجل سررسد بر شما چه کس را بخوانید غیر از خدا؟
بگویند جوابِ سؤالی چنین اگر که شما هستید از صادقین

بَلْ إِلَٰهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ

و بلکه در آن حالتِ اضطرار نخوانید کسی را به جز کردگار
به امید آنکه رسد رحمتش اگر که کند اقتضا حکمتش

و کلاً فراموش کنید آن زمان دروغین شریکانِ آن مُستعان
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

﴿۴۲﴾

زِ بهر اُمم‌های قبل، ماسبقِ بکردیم ارسالِ رسولانِ حق
جهالتِ بکردند زِ تکذیبشان زِ حکمتِ نمودیم تأدیبشان
شدند مبتلا سخت در روزگار که آرند زاری سوی کردگار
فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۴۳﴾

چرا آن زمان که شدند مبتلا؟ نیاورده زاری به سوی خدا؟
بگردید قلب‌هایشان سخت و تار زِ اعمالِ ناحق و زشتیِ کار
نشان داد شیطانِ همی جلوه‌گون بیاراسته زیبا عمل‌های دون
فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ
بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

﴿۴۴﴾

چو کردند فراموش پس ذکرِ ما گشودیم بر آنها همه درب‌ها
زِ اتمامِ حجتِ بکردیم عطا نعم‌ها و افزون بکردند خطا
بگشتند مغرور و شاد جملگی زِ یادِ برده رب و ره بندگی
به وقتش نمودیم قهری شدید عقوبت بدیدند قومِ پلید
به نومیدی گشتند جمله دچار بگشتند مایوس و مطرود و خوار

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۖ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿۴۵﴾

بگردید قطع ریشه‌ی این کسان که ظلم‌ها کردند اندر جهان
 بود حمد مخصوص ربّ جهان خدای دو عالم بود مهربان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ
 أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِقُونَ

﴿۴۶﴾

بپرس ای پیمبر! اگر که خدا بخواهد دهد بر شما این جزا
 که گیرد دو چشمانتان با دو گوش زند مهر بر قلبتان، برده هوش
 به جز ذات حقّی که هست کردگار چه کس می‌تواند دهد پس دوبار؟
 ببینید آیات ما بس عیان بگردیده این‌سان صریحاً بیان
 ولی از جهالت هم آن کافران بگردانده روی و سرّ خود از آن

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ

﴿۴۷﴾

رسولا! بپرس که چه‌ها می‌کنند؟ اگر از عذابی بیفتند به بند
 که ما آشکارا و یا که نهان به ناگه فرستیم عذابی گران
 چه کس غیر آن دسته‌ی ظالمان؟ هلاکت ببینند سخت و عیان

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ ۚ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
 يَحْزَنُونَ

﴿۴۸﴾

و ارسال نکردیم همی مرسلین مگر آنکه پیغام دهند اجمعین
 بشارت دهند و گهی نیز بیم ز سوی خداوندگارِ رحیم
 و آنان که گشتند از صالحین نبینند اندوه و حزنی یقین

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمْ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

و آنان که تکذیبِ آیاتِ کند زِ زشتکاری افتند جمله به بند
 عقوبت ببینند آن فاسقان عذابی الیم و عظیم و گران
 قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا
 يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

بگو ای رسول! نیست مرا ادعا که در نزدِ من هست گنجِ خدا
 نه آنکه بگویم زِ غیبِ آگهم و یا یک فرشته زِ نزدِ حقم
 ولی پیروی می‌کنم من زِ رب چو وحیِ الهی رسد روز و شب
 بپرسا! مساوی بود در نظر؟ یکی کور باشد، یکی بابر
 تفکر نیارند چرا جاهلان؟ به امری که باشد الحق عیان
 وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّهُمْ
 يَتَّقُونَ

کسانی که ترسند از یومِ دین که آیند حضورِ خدا اجمعین
 تذکرِ بده تو بر آیاتِ ناب که اندر قیامت و یومِ حساب
 نه یاور بود هیچ و نی کس شفیع به جز ذاتِ ایزد به خلقِ مطیع
 مگر تا بگردند از متّقین شوند پیروِ جمله آیاتِ دین
 وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ
 شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

بر آنها که در موقعِ صبح و شام
 بخوانند خداوندگار را مدام
 ندارند مقصودی نیز هیچ‌گاه
 به غیر از رضایتِ زِ ذاتِ اله
 زِ درگاهِ خود این گروه را مران!
 بر ایشان بود لطفِ ایزد عیان
 حسابی زِ این جمع بر تو مباد
 نه از تو حسابی بر آنهاست یاد
 اگر که برانی زِ خود این کسان
 بگردی تو از زمره‌ی ظالمان

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ
 بِالشَّاكِرِينَ

﴿۵۳﴾

میانِ جماعات و بینِ عباد
 کنیم امتحاناتی اندر نهاد
 بگویند جمعی، که قومِ فقیر
 بگشتند برتر زِ لطفِ خبیر؟
 نباشد خداوند عالم‌ترین؟
 شناسد هم احوال آن شاکرین؟

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُ
 مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۵۴﴾

هر آن کس که آیاتِ ما کرد قبول
 چو آید به درگاهِ تو ای رسول!
 بر ایشان بفرما زِ ما این پیام
 بگو بر شما باد! جمعاً سلام
 برای شما، ذاتِ پروردگار
 زِ رحمت نوشته بسی بی‌شمار
 اگر مرتکب گشته‌اید کارِ زشت
 نمایید توبه، شوید نیک‌سرشت
 ببخشد زِ لطف کردگار کریم
 که باشد خداوند غفور و رحیم

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ لِّيَتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ

﴿۵۵﴾

بیاریم مفصل از آیات بیان
 فصیح و بلیغ و بسیط و روان

که راه و خطاهای آن مجرمان بگردد بسی آشکار و عیان
 قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذَا
 وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

﴿۵۶﴾

بگو نهی گشتم من از دینتان پرستیدن غیر حق در جهان
 نه پیرو شوم بر هوس‌هایتان مبادا! بگردد من از گم‌رهان
 قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ قُلْ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ
 يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

﴿۵۷﴾

بگو از خدایم نشان دارمی ز حجت و برهان سخن رانمی
 ولیکن بخوانید آن را دروغ که ایمانتان هیچ ندارد فروغ
 عذابی که تعجیل دارید به آن نباشد به دست من ای مردمان!
 چنین حکم اندر ید کبریاست که قادر به عالم و فرمانرواست
 بود بهترین حاکم اندر جهان خداوند منان و آن مهربان

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ

﴿۵۸﴾

بگو دست من بود اگر آن عقاب که دارید تعجیل برای حساب
 روان می‌نمودم هم اکنون عذاب به چیزی که ورزید به‌رش شتاب
 خداوند آگه‌ترین است یقین به حال ستم‌پیشه و ظالمین

﴿۵۹﴾ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ
 إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

کلید خزائن زِ اسرارِ غیب به نزد خدا هست بی‌شک و ریب
 نباشد خبر هیچ کس را زِ آن به غیر از یگانه خدای جهان
 زِ هر چه به عالم بودِ مستقر زِ صحرا و دریا بودِ باخبر
 و برگی زِ شاخه نیفتد زمین مگر که خدا داند آن بالیقین
 نه هیچ دانه اندر دلِ تیره خاک که گشته ذخیره چنان تابناک
 و هیچ خشک و تر نیست روی که ثبت نیست اندر کتابِ مبین
 زمین

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى
 ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

خداوندگار، او که هست ذاتِ رب شما را چو خوابید هنگام شب
 موقت بگیرد جان از شما و آگه زِ اعمالتان هست خدا
 که در روز چه‌ها کرده‌اید جملگی دوباره دهد اذنی بر زندگی
 بود این‌چنین تا به ضرب‌الاجل رسد موقع مرگ و وقت اجل
 رجوع همه خلق سوی خداست و آگه برای حساب و جزاست
 و آگاهتان نیز بسازد اله زِ اعمال نیکو و هم از گناه

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۖ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا
 وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ

زِ قدرت و قهّاری، پروردگار بود فوقِ مخلوق و بااقتدار
 برای حفاظت زِ جان‌هایتان فرستد فرشته نگهبانتان
 که تا مرگ آید سراغ بشر اجل بر یکایک بیاید به سر

بمیراند او را، کُند قبض روح بگردد حیاتش تمام بالوضوح
در این کار تعلل نورزد ملک فرا آید این امر بر تک‌به‌تک

ثُمَّ رُدُّوْا اِلَى اللّٰهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ ۚ اَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ اَسْرَعُ الْحٰسِبِيْنَ

﴿۶۲﴾

روند آخر الامر همه سوی حق که صاحب بود او بر این ماخلق
و باید بدانند همه بندگان که فرمان بود دست آن مستعان
و باشد خدا اسرع الحاسبین رسد بر حساب همه اجمعین

قُلْ مَنْ يُنَجِّیْکُمْ مِّنْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُوْهُ تَضَرَّعًا وَخُفْیَةً لِّئِنْ اَنْجَاْنَا مِنْ هٰذِهِ
لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشَّاکِرِیْنَ

﴿۶۳﴾

بپرس کی رهاوند شما را همه؟ زِ ظلمات و سختی و از واهمه
به دریا و صحرا دهد او نجات حفاظت کند جانتان در حیات
بخوانید به زاری زِ قلب در خفی نجات گر دهی باز ما را خدا!
شویم تا ابد جمله از شاکرین سپاست بگوییم زِ جان و یقین

قُلِ اللّٰهُ یُنَجِّیْکُمْ مِنْهَا وَمِنْ کُلِّ کَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِکُوْنَ

﴿۶۴﴾

بگو که ببخشد خداوند نجات رهاوند زِ سختی همی در حیات
ولی باز هم شرک بورزید شما شوید پیرو نفس دون و هوی

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی اَنْ یَّبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِکُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْضِکُمْ اَوْ یَلْبِسَکُمْ
شِیْعًا وَّ یَذِیْقَ بَعْضَکُمْ بَآسَ بَعْضٍ ۚ اَنْظُرْ کَیْفَ نَصْرَفُ الْاٰیٰتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُوْنَ

﴿۶۵﴾

بگو هست قهارِ خدایِ احد تواند فرستد عذابِ فوقِ حد
 چه از آسمان باشد و یا زمین که گردید دچارِ بلا اجمیعین
 و یا اختلافها فرستد میان که آرند جدال و جدلِ مردمان
 نگه کن تو حکمت در آیاتمان چگونه صریح کرده‌ایم ما بیان
 که یابند مگر پندهایی زِ آن تفکر نمایند به آن بندگان

وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُلْ لِّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

﴿۶۶﴾

دروغین بخواندند قومت زِ کین اگر چه بحق بود پیامت یقین
 بگو تو به اقوام و بر سوی ایل که هرگز نباشم شما را وکیل

لَّكُلِّ نَبِیٍّ مَّسْتَقَرٌّ ۚ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

﴿۶۷﴾

هر آنچه خبر آمد از انبیا زِ وحی خداوند بود از سما
 به وقتِ معین خواهد رسید بفهمید زود و نباشد بعید

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ ۚ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

﴿۶۸﴾

ببینی اگر تو گروهی پلید کنند مسخره آیه‌هایِ مجید
 بکن دوری از جمع آنها تو زود به حرفی دگر تا نمایند ورود
 فریبت اگر داد ابلیسِ دون شوی وارد جمعشان گونه‌گون
 بیار بر لبِ ذکر و نامِ اله مباش همراهِ ظالمان هیچ‌گاه

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

بر افراد پاک و به نیکو سرشت حساب گنه کار نخواهند نوشت
تذکر ولی بهرشان هست پند که تقوا و پرهیز پیشه کنند

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَنْ تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۖ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

رها کن کسانی که در دین خود به بازی گرفتند آیین خود
و دنیا و این زندگانی در آن فریب و غرور است بر این مردمان
بر ایشان بده تو ندایی ز باک بگیرند پندی که وقتِ هلاک
گرفتار شود هر کسی از عمل اگر که گنه کرده او یا دغل
به جز از خدا نیست بهرش ولی شفیع جز از او نیابد همی
نگردد قبول هر چه آرد خدا رهایی نیابد ز عدل خدا
گرفتار بگردند آنکه خسان ز آنچه که کسب کرده اند در جهان
ز آب حمیم است بس نوششان که بدبو و تلخ است این آبشان
عذاب الیمی بود بهرشان ز کفری که ورزیده اند در جهان

قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُردَّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا ۖ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۖ وَأْمِرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

بگو که چرا کرده ایم ما رها؟ ز جهل و ز غفلت یگانه خدا
پرستیم به جایش همی این بُتان که از سود فاقد بوند یا زیان
ز بعد هدایت که دیدیم به راه ره جهل پوییم و بارِ گناه؟

به مانند آن کس که شیطان ز کین بکردست آواره‌اش در زمین
همی دارد اصحابی ابلیسِ دون که خوانند به خود مردمانِ زبون
بگو که هدایت چو خاصِ خداست به راه نجات او فقط رهنماست
به ما امر داده که تسلیم شویم به ربِّ دو عالم که باشد علیم

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ ۚ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

﴿۷۲﴾

نماز آورید سوی خلاقِ خویش به تقوا گرایید در آیین و کیش
که محشور گردید و سویش روید همان ربِّ عالمِ خدای فرید

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ ۚ قَوْلُهُ الْحَقُّ ۚ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۚ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

﴿۷۳﴾

همان ذاتی که آفریده بحق زمین با سماوات اندر طبق
به روزی که ایزد بداده ندا عدم را، که در هستی آی و به پا!
چو حق است قول خداوندگار پدیدار بگردید چنین روزگار
بود پادشاهِ جزا آن غفور به روزی که نفخه بیفتد به صور
حکیم است و آگه خدای جهان بود عالمِ او بر نهان و عیان

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً ۖ إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

﴿۷۴﴾

بکن یادی از گفته‌ی ابرهیم پدر را بداد آگهی او ز بیم
بفرمود، آزر! تو با قوم و اهل گرفتید بتان را الهِ رویِ جهل؟
ببینم تو و قومِ تو در ضلال روید بر خطاِ جملگی بالمآل

وَكَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ

بدادیم نشان، ابرهیم را چنین رموزِ سماوات و سِرِّ زمین
 ز فضل خداوند رسید بر یقین بگردید از آن علم از موقنین
 فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّي ۖ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ

رسید شام و تیره بشد روزگار درخشان بدید کوكبی آشکار
 بگفتا به عمد، این اله من است درخشنده، تابنده و روشن است
 چو رفت شب، ستاره بکردی افول بگفت آنچه فانیست ندارم قبول
 فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي ۖ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

به شامی دگر کرد اشاره به ماه به عمد او بخواندی قمر را اله
 چو گردید صبح و بکرد ماه افول زبان هدایت گشود آن رسول
 که گر هادی من نباشد خدا چو افراد گمره روم بر خطا
 فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي ۖ هَٰذَا أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

چو خورشید بتابید اندر زمین بگفتا به عمد او سخن این چنین
 خدایم بود شمس و این تابناک که والاترین است از بهر خاک
 برفت تا که خورشید و کرد انتقال بگفتا که این هم پذیرد زوال
 بدانید مردم! چنین حرف، نیک بری باشم از هر چه آرید شریک

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا ۖ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

﴿۷۹﴾

کنم روی خود را به سوی همان که او آفرید ارض و هفت آسمان
به دین حنیف آورم رو، ز جان نبوده و نیستم من از مشرکان
وَحَاجَهُ قَوْمُهُ ۚ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ ۚ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
رَبِّي شَيْئًا ۖ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۖ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

﴿۸۰﴾

به پاسخ بکردند بحث و جدال بگفت ابرهیم که بود این محال
به من آورید اعتراض از خدا نموده هدایت به راهش مرا
ندارم همی ترس ز بت‌هایتان که از شرک خوانید خدایانتان
مگر آنکه ربِّم بخواهد چنان که بیمناک گردم ز چیزی عیان
محیط است خدایم به کلّ جهان تذکر نیابید ز جهل غافلان؟
وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا ۚ
فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ ۖ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

﴿۸۱﴾

چرا من بترسم ز بت‌هایتان؟ که از شرک خوانید خدایانتان
نترسید ولیکن شما از اله ندارید دلیلی بر آن هیچ‌گاه
کدام یک ز ما هست اندر امان؟ اگر علم دارید به کار در میان

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ

﴿۸۲﴾

کسانی که ایمان بیاورده‌اند به ظلم و ستم خود نیالوده‌اند

به امن و امانند این مردمان هدایت بیابند زِ ربِّ جهان
وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ ۖ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

﴿۸۳﴾

چنین بود برهان زِ ما بهرِ بیم بکردیم عطا جمله بر ابرهیم
به هر کس بخواهیم رفعت دهیم خدای تو آگاه هست و حکیم
وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ ۖ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ
وَسُلَيْمَانَ ۚ وَآيُوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

﴿۸۴﴾

عطا کردیم اولاد نیک بر نبی که اسحاق بودست و یعقوب همی
هدایت بگشتند بر راه راست طریقی که مختصّ آن انبیاست
و نوح که بیامد در ماسبق بکردیم هدایت هم او را به حق
زِ ذُرّیه‌ی او چو داوود رسید سلیمان و ایوب گشتند پدید
و یوسف بیامد، همان رستگار و موسیٰ و هارون شدند آشکار
بود محسنین اجرشان ارجمند بخشیم به ایشان مقام بلند
وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصّٰلِحِينَ

﴿۸۵﴾

زکریا و یحییٰ بُدند همچنین و عیسیٰ و الیاس از صالحین
وَإِسْمَاعِيلَ ۚ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

﴿۸۶﴾

شدند اسمعیل و یسع در ظهور و هم لوط و یونس به ایام دور

بدادیمشان برتری بر جهان که بودند آنها ز شایستگان
وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ^ط وَاجْتَبَيْنَاهُمْ^ط وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

﴿۸۷﴾

و ما برگزیدیم ز آبائشان و برخی ز اولاد و اخوانشان
هدایت بکردیم و گشتند سلیم برفتند به سوی ره مستقیم
ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا الْحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۸۸﴾

اراده چنین است از کردگار که هر بنده‌ای کاو کند اختیار
به راه هدایت شود رهنما ولی گر بورزند شرک از خطا
کند باطل اعمال آن مشرکان که نابود گردد و محو کارشان
أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ^ط فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا
لَيُسَوِّوْا بِهَا الْكَافِرِينَ

﴿۸۹﴾

کسانی که بودند از حق رسول عطاشان نمودیم کتاب در اصول
بدادیمشان حکم به پیغمبری که تا خلق عالم کنند رهبری
اگر که بورزند کفران به دین نماییم قومی دگر جایگزین
که کفران نورزند سوی اله و شرکی نیارند چنین هیچ‌گاه
أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ^ط فَبِهَدَاهُمْ^ط اقْتَدِهْ^ط قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا^ط إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ

﴿۹۰﴾

بوند این گروه آن که اندر یقین بکرده هدایت خدا اجمعین
 بکن پیروی تو همین ره رسول! بگو بر کسانی که کردند عدول
 اگر چه به عالم شدم رهنما نخواهم همی اجر و مزد از شما
 و نیست این به جز آنکه اندر جهان تذکر بیابند همه بندگان

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ ۚ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ
 الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ ۚ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا ۚ
 وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

﴿۹۱﴾

شناسایی بر ذاتِ یکتا خدا همی نیست ممکن به نحوی سزا
 بگفتند، چیزی نگشته نزول که گردد هدایت ز بهر اصول
 بگو، کی فرستاد به موسیٰ کتاب؟ ز نور هدایت بکردی خطاب
 کتیبه نوشتید ز آن یا ورق ز تورات که می بود آیاتِ حق
 نمودید بخشی ز آن را عیان و بیشتر ز آن را بکردید نهان
 به علمی که اجدادتان و شما نبودید آگاه، بشد رهنما
 بگو که کتاب آمده از اله رسول هم هدایت نموده به راه
 رها کن هم آنکه تو آن جاهلان پس از آنکه حجت بگردید عیان
 شوند غرق در لهو و بازیچه ها ره راست ایشان نمایند رها

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَالَّذِينَ
 يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

﴿۹۲﴾

و این است کتابی چنین آشکار که نازل بگشته ز پروردگار
 خجسته بود، مستند آیه ها رسانده به دست همه بنده ها
 به أمّ القریٰ، هم به اطراف آن ز بهر هدایت بر آن مؤمنان
 چو دارند قبول حشر و روز قیام نماز را حفاظت نمایند تمام

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ إِلَىٰ يَوْمٍ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

﴿۹۳﴾

ستمکارترین کیست از ظالمان؟	که بندگان دروغ بر خدای جهان
بگوید مرا وحی شود در زمین	نباشد ولی وحی بر وی یقین
بگوید که می‌آورم باب به باب	به مانند آیات حق در کتاب
گر ایشان ببینی تو هنگام فوت	به وقت و به هنگامه‌ی مرگ و موت
اجل را ببیند به طور وضوح	ستاند ملک سخت جان و روح
بگوید رها کن کنون جان پست	که خواری برایت چنان کیفر است
به ناحق بگفتید سخن از اله	غرورها بورزیده‌اید از گناه

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ ۚ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

﴿۹۴﴾

بیابید رجعت به ما در ممات	همان طور که دادیم از اول حیات
هر آنچه بدادیمتان مال و جاه	گذارید همه پشت سر نیز به آه
شفیعان باطل که پنداشتید	ز جهل چون بتانی برافراشتید
بگردند فنا و نباشند عیان	فراق و جدایی فتد بینتان

﴿۹۵﴾ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۚ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ۚ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَاتَىٰ تَوْفَكُونَ

﴿۹۵﴾

همانا خداوند به اعماق خاک گند هسته و دانه را سینه چاک
به وقتش بمیراند او زنده‌ها و زنده بسازد سپس مرده‌ها
چنین ذاتی و این‌چنین اقتدار شوید مُشرکش گاه در روزگار

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

﴿۹۶﴾

شکافنده‌ی نور بود در پگاه قرار داده شب بر سکون و پناه
به نظمی بگردند خورشید و ماه به دُور و تسلسل بپیموده راه
مداری منظم بدین سان عظیم بود اقتدار از خدای علیم

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

﴿۹۷﴾

قرار داده از لطف خداوندگار نجومِ درخشنده را در مدار
که باشند در ظلمتِ بحر و بر چراغ هدایت زِ بهر بشر
نمودیم واضح به تفصیل بیان که تفهیم گردند همه عالمان

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

﴿۹۸﴾

خدایی که خلقت بداد آن‌چنان زِ یک تن بیاورد پدیدارتان
و کرد این زمین را همی جایگاه که باشید امانت در آن چنگاه
بیان کردیم آیات، فصیح و عیان به اهل بصیرت به دریافتگان

وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قَنَوانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ۚ انظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

خدایی که باران چو آب روان
 دهیم بر گیاهان ز باران حیات
 بیچند به هم جملگی دانه‌ها
 ز نخل دسته‌هایی ز خرما فزون
 ز باغات زیتون و انگور و تاک
 به مانند هم بوده بعضی نبات
 به رشد نبات و گیاه و ثمر
 هویداست در آن آیت کردگار
 فرو ریزد از آسمان بی‌کران
 برون آوریم سبزی از هر نبات
 تراکم بگیرند از آن خوشه‌ها
 شود خوشه از شاخه‌هایش برون
 انار و دگر میوه‌ها تابناک
 نباشند شبیه برخی، از هر جهات
 نگه کرده با عبرتی مستمر
 بر آن مؤمنان و به پرهیزگار

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۖ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ

گروهی که باشند نامطمئن
 به حالی که مخلوق باشند همه
 گروهی دگر، دختران یا پسر
 منزّه بود حضرت ذوالجلال
 بیارند شریک بر خداوند ز جن
 به راه خطا رفته زین مرحله
 بخوانند اولاد حق، چون بشر
 ز اوصافی این‌سان و امری محال

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةً ۖ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

پدید او بیاورد سماء و زمین
 چگونه که فرزند کند اختیار؟
 به خلقت بیاورد هر چیز، عظیم
 همه هستی از او بود همچنین
 نه جفتی بخواهد خداوندگار
 به هر جزء و کلی بود او علیم

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ فَاعْبُدُوهُ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

بود وصف ذات خداوند چنین که ربّ شما هست در عالمین
 نباشد الهی جز او، هیچ کس و خلّاق هر چیز او هست و بس
 پرستید حق را همه اجمعین نگهبان هر چیز خدا هست یقین

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ ۖ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

به ادراک او نیست قادر بصر ولی او به بیننده آرد نظر
 بود در لطافت خدا بی نظیر علیم است و آگاه، ذات خبیر
 قَدْ جَاءَكُمْ بِصَافِرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ ۖ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۚ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ
 بِحَفِيفٍ

گرفت بینشی گر دلت از بصر ز انعام ربّ، تو یابی اثر
 و هر که بصیرت بیافت در جهان شود رستگار عاقبت بی گمان
 و گر کور بماند ز آن سان بصر نبیند به عقبی به غیر از ضرر
 نگهبان نباشم شما را یقین رسولم فقط سوی دین مبین

وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

ز حکمت تصرّف کنیم آیه‌ها اشارت بیاریم به ناگفته‌ها
 بگردیده هادی به ربّ جلیل اگر چه بگویند جمعی ذلیل
 که آموخته آیات رسول کُبار ز این و ز آن و یمین و یسار
 بیان کرده‌ایم روشن و آشکار به اهل خرد اندر این روزگار

إِتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

﴿۱۰۶﴾

بکن پیروی از خدایت، رسول! هر آنچه بکرد وحی، بنما قبول
نباشد خدایی کسی را سزا به جز ذاتِ یکتا و صاحبِ قضا
بگردان تو روی خود از مشرکین رها کن تو ایشان همه اجمعین

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا ۚ وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا ۚ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

﴿۱۰۷﴾

اراده اگر می نمود ذوالجلال نمی گشت مشرک کسی بالمآل
نگهبان نکردیم تو را در جهان نباشی رسول! حافظِ مردمان
نباشی به مردم یقیناً وکیل نداری تو تکلیفی از این قبیل

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ آمَةٍ
عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۱۰۸﴾

مرانید به لب فحشی و ناسزا بر آنچه بخوانند به ناحق، خدا
که شاید به پاسخ ز الفاظ زشت به ایزد خطاب آرد آن بدسرشت
دهیم ما ز حکمت به اعمالشان گهی زینت اندر نظرگاهشان
به آخر روند بر سوی کردگار شوند آگه از کرده و شرمسار

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا ۚ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَمَا
يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ

﴿۱۰۹﴾

بخوردند قسم‌ها قوی و شدید به پروردگار، مردمی بس پلید

که آید اگر معجزاتی عیان بیارند ایمان سپس جاهلان
 بگو از خدا هست آیات دین همه در یدِ قدرتش اجمعین
 ندانید شما، گر بیاید عیان بسی معجزات قوی و گران
 دگرباره آن مردم بدنهاد نیارند ایمان، بورزند عناد

وَنَقَلَبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

﴿۱۱۰﴾

بگردانیدیم از دل و از دیده‌شان خدا و حقیقت ز آیینشان
 چو ایمان نیاورده روزِ نخست خطا جمله رفتند، ره نادرست
 به احوالِ گردن‌کشی و غرور رهاشان بسازیم، نماییم دور

﴿۱۱۰﴾ وَ لَوْ أَنَّا نَزَّلْنَاهُ إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا
 لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ

﴿۱۱۱﴾

چو ثابت بمانند در جهلِ خویش اگر که بیاریم ملائک به پیش
 و گر زنده سازیم عیان مردگان که بینند اندر وضوح مشرکان
 نیارند ایمان ز کفر و ز کین مگر آنکه خواهد خدا غیر این
 ولیکن ندانند ز جهل مردمان ز آیات روشن که گشته بیان

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ
 الْقَوْلِ غُرُورًا ۚ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

﴿۱۱۲﴾

بدادیم قرار دشمنان بر رُسل شیاطین جنّ و ز انس در سُبُل
 بگفتند سخن بر تظاهر چنین کلام‌های آراسته و هم متین
 که اغوا کنند در جهان جاهلان خدا گر نمی‌خواست نمی‌شد چنان

مکن اعتنائی بر ایشان رسول! رهاشان بساز در دروغ و عدول

وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفِئْدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ

﴿۱۱۳﴾

و آنان که رفتند خطا اجمعین نیاورده ایمانی بر یومِ دین
سپردند دل را به اهریمنان فراموش کردند خدای جهان
شوند مشترک در عذابِ الیم به همراه اهریمنان در جحیم

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا ۚ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ
يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ ۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

﴿۱۱۴﴾

به جز حاکم و داوری چون اله بجویم به عالم دگر هیچ‌گاه؟
بود او همان که بداده نزول کتابی چنین روشن اندر اصول
بدانند صاحب کتابانِ پیش بگردیده اذعان در آیین و کیش
که نازل به تو گشته از کردگار کتابی چنین برحق و آشکار
نشاید که آری شک اندر میان چو گشته کلام خداوند بیان

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۚ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

﴿۱۱۵﴾

به اتمام و اکمال کلام خداست به صدق و عدالت همه رهنماست
نه تغییر شاید، نه تبدیل در آن سمیع و علیم است خدای جهان

وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا
يَخْرُصُونَ

﴿۱۱۶﴾

اگر که کنی پیروی در زمین زِ اکثر خلائق تو در راهِ دین
 کنند گمرهت از طریقِ اله مگر شک بیارند به راه
 ندارند به دل‌هایشان هیچ فروغ بگویند نسنجیده و هم دروغ

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

﴿۱۱۷﴾

خدای تو عالم‌تر است بالیقین چه کس بر ضلالت برفته زِ دین
 و یا که چه کس رفته بر راه راست علیم است خداوند بی‌کم و کاست

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ

﴿۱۱۸﴾

خوريد زانچه که نام پروردگار برفته بر آن روشن و آشکار
 اگر که به آیاتِ حق جملگی به ایمان رسیدید در زندگی

وَمَا لَكُمْ إِلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ
 إِلَيْهِ ۚ وَإِنْ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ

﴿۱۱۹﴾

نیارید تناول چرا بی‌دلیل؟ که بر آن شده ذکرِ ربِّ جلیل
 هر آنچه به فرمانِ حق شد حرام مفصلّ بیان گشت در آیات تمام
 غذای حرام نیز در اضطرار توانید خورد و ببندید به کار
 ولیکن گروهی زِ روی هوی^۱ شوند گم زِ جهل از طریقِ خدا
 خداوند شناسد و باشد علیم تجاوزگران را زِ حد و حریم

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيَجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ

﴿۱۲۰﴾

کنید ترک گناه و بریزید برون چه ظاهر، چه باطن و از هر شئون
هر آن کس کند کسب بارِ گناه عقوبت ببیند ز حکم اله
وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۖ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ
لِيَجَادِلُوكُمْ ۖ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

﴿۱۲۱﴾

نشاید تناول کنید زان غذا که بر او نخواندند نام از خدا
که این کار فسق است و باشد پلید شیاطین کنند و سوسه‌ها شدید
بیارند شما را به سوی جدال که پیرو شوید راه آن بدخصال
بخواهند که گردید اندر جهان مثال همان قوم و از مشرکان
أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ
لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ۚ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

﴿۱۲۲﴾

کسی را که باشد وی از مردگان اگر زنده کردیم و دادیم جان
و دادیم بر او پرتوی هم ز نور که در بین مردم نماید عبور
بود مثل او که بماندست کور؟ نیابد رهایی ز ظلمت به نور
بدین گونه بر کافران کارشان نماید به نیکی به چشمانشان
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا ۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا
يَشْعُرُونَ

﴿۱۲۳﴾

چنین بهر هر شهر و در هر دیار بزرگان مجرم دهیم ما قرار
که مکاری ورزند بر مردمان ریا و فریبی به حدّ توان
نورزند ولی مکر، الاّ به خویش ندارند شعوری ز ادراک پیش

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۚ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ

﴿۱۲۴﴾

زِ بهرِ هدایت به ناباوران بیامد نشان‌های حق بی‌کران
 بگفتند ایمان نیاریم به آن مگر آنکه آید به طوری عیان
 به ما نیز مانند آن مرسلین خدا نازل آرد ز آیات دین
 خداوند بهتر بداند ولی چگونه کند انتخابِ نبی
 بر آن قوم مکار اندر عِقاب رسد حکمِ ایزد زِ بهر عذاب

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۗ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

﴿۱۲۵﴾

اراده کند گر خداوند بسی که یابد هدایت به راهش کسی
 زِ اسلام سازد دلش غرقِ نور که قلبش بیابد گشایش وفور
 و گر که بخواهد دهد گمرهی به قلبش دهد خِفَّت و کوتاهی
 که گویی زِ سختی کار کاهلان بخواهند روند از زمین آسمان
 از این روی به افراد رجسِ پلید قرار می‌دهد رب عذابِ شدید
 کسانی که ناباور و کافرند نگردند مؤمن، خطا می‌روند

وَهَٰذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۚ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

﴿۱۲۶﴾

بود این ره کردگارت، سلیم! صراطی که باشد ره مستقیم
 نمودیم آیات به تفصیل بیان بر آنها که اندرز بگیرند از آن

﴿لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

نصیب چنین بنده‌ی پاک و رام بود قُربِ یزدان به دارالسلام
و گردد خداوند دوستدارشان ز کارهای نیک و ز اعمالشان

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ ۚ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ
رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا ۚ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا
إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

به روزی که گرد آمده اجمعین
بگوید به جن‌ها که کردید شما
و گویند دوستانشان از بشر
به دنیا ببردیم سود و ثمر
به وقتش که تقدیر کردی تو آن
بگوید خدا که به مأویاتان
مگر آنچه خواهد خدای کریم
حضور خداوند و در یومِ دین
کثیری ز انس گمره از راه ما
که شیطان در آنها نموده اثر
ز اضلال و رفتارِ با یکدگر
اجل آمد و برگرفت جانمان
به آتش بمانید همه جاودان
بود ربّتان آگه و هم حکیم

وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

بدین سان گماریم ستم‌پیشه‌گان حکومت کنند بعضی بر بعضیشان

يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ
يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا ۚ وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ
كَانُوا كَافِرِينَ

شما جنّ و آدم ز جزء و ز کل ز جنسِ خودتان ندادیم رسل؟
 که خوانند آیاتِ ناب از کتاب به امروز تذکر دهند و عقاب
 بگویند و آرند چنین اعتراف ره نفس رفتیم و راهی خلاف
 بگشتند مغرور ز دنیای دون هم آنها که بودند از جاهلون
 در آن حال ایشان گواهی دهند که از جهل و کفر بوده‌اند ناپسند

ذَٰلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ

﴿۱۳۱﴾

نبودست هرگز خدایت چنین که بخشد هلاکت به یک سرزمین
 که ظلمی بود این به آن بندگان مگر آنکه اهلش بوند غافلان

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا ۖ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

﴿۱۳۲﴾

به نزد خداوند بی‌کم و کاست عمل‌های افراد در رتبه‌هاست
 خدا نیست غافل ز اعمالتان و او رتبه‌بندی کند کارتان

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ قَوْمٍ آخَرِينَ

﴿۱۳۳﴾

خدایت غنی باشد و بی‌نیاز بسی مهربان و بود کارساز
 اراده کند گر، شما جملگی بگردید فنا، رفته از زندگی
 و هر که بخواهد کند جایگزین ز اقوامِ دیگر به روی زمین
 چنانچه شما را ز جمعی دگر بیاورد وجود و نمود مستقر

إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَآتٍ ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

هر آنچه که وعده نموده خدا تحقق پذیرد بدون خطا
 نخواهید ز تقدیر ایزد برست تسلط نیابید به حکم الست
 قُلْ يَا قَوْمِ اَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ اِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۚ اِنَّهُ
 لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

رسولا! بگو تو بر آن جاهلان به جمع آورید هر چه دارید توان
 کنید هر چه خواهید ز نیرنگتان نهان و عیان، کار و گفتارتان
 که من هم به راه خداوندگار ببندم تمام توانم به کار
 ببینیم آنگاه به آخر عیان چگونه بود ما سرانجاممان
 نبینند نجات و فلاح ظالمان ستم‌پیشگان پلید در جهان
 وَجَعَلُوا لِلّٰهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْاَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هٰذَا لِلّٰهِ بِزَعْمِهِمْ وَهٰذَا لِشُرَكَائِنَا ۚ فَمَا
 كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ اِلَى اللّٰهِ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ فَهُوَ يَصِلُ اِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

ز کشت و ز دام خود این مشرکان قرار داده سهمی به ربّ جهان
 بدادند قرار سهمی هم بر بتان که خواندند شریک خدا ابلهان
 ز سهم بتان هر چه بودی قرار ندادند چیزی به پروردگار
 ولی هر چه می‌بوده سهم خدا گرفتند بهر بتان از خطا
 بدادند حکمی غلط آن خسان که بود حاصل کفر دل‌هایشان
 وَكَذٰلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ اَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِيُرَدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوْا عَلَيْهِمْ
 دِيْنَهُمْ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا فَعَلُوْهُ ۚ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

بکردند توجیه زِ جهل مشرکان که آرند به قتل، گاه فرزندشان
 هلاکت ببخشند زین کار زشت زِ بت‌ها بساختند این سرنوشت
 اگر که خداوند می‌خواست او نمی‌کردند این کارِ بی‌آبرو
 رسولا! رها ساز این مشرکان که باشند مشغولِ آن کذبشان

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا
 وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

﴿۱۳۸﴾

و گفتند بعضی زِ این داممان و بعضی مزارع و یا کِشتمان
 حرام است و بر مردمان ناگوار نباشد کسی را بر آن اختیار
 مگر آنکه تعیین نماییم ما سواری بر آنها نباشد روا
 حرام است حیوان بگردد طلب اگر که به ذبحش نرفت ذکرِ رب
 چو بستند دروغی به پروردگار مجازات ببینند سریع آشکار

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمَحْرَمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا ۖ وَإِنْ يَكُنْ مِيتَةً فَهُمْ
 فِيهِ شُرَكَاءُ ۖ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ ۚ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

﴿۱۳۹﴾

بگفتند که حیوان بی بیش و کم هر آنچه که دارد درون شکم
 بود منحصر بهر مردانمان و باشد حرام آن به زن‌هایمان
 ولیکن اگر مرده آید برون شراکت توانند بورزند کنون
 ببینند ایشان عذاب اجمعی زِ اوصاف و تفسیرِ واهی چنین
 خداوندگار آگه است و حکیم به هر چیز دانا و باشد علیم

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ۚ قَدْ
 ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

﴿۱۴۰﴾

خسارت بدیدند ایشان زِ جهل کسانی که گشتند اولاد به سهل
 زِ آنچه که رزق داده بود کردگار بگشتند محروم در آن روزگار
 چو بستند دروغ بر خدای جهان ضلالت بدیدند بسی گمراهان

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ
 وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مَتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ۚ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ ۚ
 وَلَا تَسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

﴿۱۴۱﴾

بود ذات الله که در روی خاک بدادست باغاتِ زیبا زِ تاک
 و یا غیر تاک از درخت بلند که اندر طبیعت همه سرنهند
 چو نخل و زراعت که آید به بر انار و چو زیتون که آرد ثمر
 تشابه ندارند به هم میوه‌ها تناول کنید و برید بهره‌ها
 دهید بر فقیران زِ آن، هم زکات به هنگام سود و درو هر جهات
 نپوید اسراف که باشد خطا عنایت ندارد به مُسرف خدا

﴿وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا ۚ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ
 عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾

﴿۱۴۲﴾

زِ حیوان بود برخی از بهر حمل و برخی برای سواری و نقل
 زِ هر چه که داده خدا رزقتان تناول بیارید شما مردمان!
 حذر آورید هم زِ ابلیسِ دون که اوست دشمنی آشکار و زبون

﴿ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ ۖ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ ۖ قُلُ الذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا
 اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ۖ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنِ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾

﴿۱۴۳﴾

بود هشت دامی که آن ذوالجلال نمودست از بهر انسان حلال
 ز بره، چه ماده بود یا که نر ز بز، از نر و ماده و از ثمر
 و هر چه به زهدان حیوان تمام کدامین ز تحریم بگشته حرام؟
 بیارید اثباتی اندر میان اگر که شما هستید از صادقان

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ ^{قُلْ} أَلَذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أُمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ
 أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ ^{أَمْ} كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا ^{فَمَنْ} أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ
 كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ^{قُلْ} إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

﴿۱۴۴﴾

شتر همچنین ماده یا آنکه نر و از جنس گاو و ز نوع بقر
 مباح است از بهر خوردن و کار برای تناول و هم حمل بار
 بپرس آنچه مذکور شد از حشم و اولاد آن دامها در رحم
 چنین مائده را ز بهر طعام چرا پس بخوانید آن را حرام؟
 ستمکارترین کیست از ظالمان؟ که بندد دروغ بر خدای جهان
 دهد گمرهی جهل او مردمان هدایت نسازد خدا ظالمان

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا
 أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ^{فَمَنْ} اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ
 رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۱۴۵﴾

رسولا! بگو هر چه گردیده وحی ندیدم طعامی بگردیده نهی
 مگر مرده باشد، خونش پدید و یا گوشتِ خوک که بود بس پلید
 و یا روی فسق ذبح بگردیده آن نبردند نام از خدای جهان
 ولی گر که مضطر بماند کسی اگر که تجاوز نیارد بسی
 تواند خورد اندکی زان طعام اگر چه ز تحریم باشد حرام
 خداوندگار تو باشد کریم بود مهربان و به عالم رحیم

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ^ط وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ^ط ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ^ط وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

﴿۱۴۶﴾

بکردیم حرام ما به قوم یهود
ز گاو و ز گوسفند نیز دنبه‌اش
مگر که به پشت و به امعاء آن
حرامش بکردیم به اهل یهود
هر آن چیز که چنگال او تیز بود
حرام ما نمودیم از خوردنش
و یا پیه و چربی سر استخوان
سزای خطاهای این قوم بود
بود وعده‌ی ما صحیح در پیام
صداقت بورزیم به حد تمام

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

﴿۱۴۷﴾

چو تکذیب نمایند تو را ای رسول!
بگو که خداوندتان، ذات پروردگار
که اغماض نورزد همی او یقین
و بینند عذاب جمله‌ی مجرمین
که گفתי ز حد و حدود و عدول
بود رحمتش واسع و بی‌شمار

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ^ط كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا^ط قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا^ط إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ

﴿۱۴۸﴾

بگویند از کید و جهل مشرکین
نه ما و نه هیچ یک ز اجدادمان
و یا اینکه هیچ گونه بهر طعام
بدین شیوه در قبل، اندر سُبُل
اگر که نمی‌خواست خداوند یقین
نپیموده بودیم ره مشرکان
نمی‌کرده بر خود هم این‌سان حرام
نمودند تکذیب جمله رسل
چشانیدیم بر جملگی‌شان عذاب
که تا سر رسید بهر ایشان عقاب

بگو که ز برهانِ این‌سان سخن ارائه دهید چند نشانه به من
و گر نه نپوید رهی جز خیال که باشد یقیناً به راهِ ضلال
سخن‌هایتان نیست الاّ دروغ نباشد به گفتارتان هیچ فروغ

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ۖ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ

﴿۱۴۹﴾

بگو چون که برهان حق جامع است یقیناً که هر حجتش بالغ است
اراده اگر می‌نمود حضرتش هدایت همه می‌شدید بر رهش

قُلْ هَلْمْ شُهَدَاءُ كُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا ۖ فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

﴿۱۵۰﴾

بگو که بیارید گواه نزد من حرام و حلال، جمله از ممتحن
گواهی مده تو به برهان‌شان مکن پیروی تو ز اهوائشان
چو تکذیب نمودند آیاتِ ناب نیاورده ایمان به یومِ حساب
برائت گزینند ز ربّ جهان روند از جهالت به سوی بُتان

﴿۱۵۱﴾ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ ۖ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۖ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ ۖ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۖ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ ۖ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۖ إِلَّا بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

﴿۱۵۱﴾

بگو تو به ایشان که آید تمام بگویم خداتان چه کرده حرام
نورزید شرک مردمان! در نخست نسازید به یزدان شریکی درست
کنید جمله احسانی بر والدین ز روی صداقت و از جان و عین
به قتل هم نیارید اولادِ خویش ز ترس از نداری و حال پریش

که روزی رسانش همی بوده ما دهیم روزی او و رزقِ شما
و نیز از فواحش کنید اجتناب نه پیدا، نه پنهان، نه از هیچ باب
نشاید به قتل آورید هیچ کس حرامش بکرده خداوند و بس
مگر آنکه حق کرده آن را مباح سفارش نموده به امری صلاح
تأمل نمایید و آرید مرور تعقل بورزید در این امور

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۖ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ
بِالْقِسْطِ ۖ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۖ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۚ
ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

﴿۱۵۲﴾

و نزدیک نگردید به مالِ یتیم مگر نفع او هست و کارِ سلیم
که تا رشد نماید به حدِّ بلوغ بگردد زِ ادراک و عقلِ پرفروغ
به عدل و به میزان کنید اهتمام کنید وزن و کیل را دقیقاً تمام
به هیچ کس نیاریم تکلیفی ما مگر که توانایی باشد ورا
سخن هم برانید بر عدل و داد اگر چه زِ خویشان نمایید یاد
وفادار بمانید به عهدِ الهِ عُدولی نورزید زِ آن هیچ‌گاه
سفارش چنین بوده از کردگار که آرید تذکر در این روزگار

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْشَقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ ذَلِكُمْ
وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

﴿۱۵۳﴾

صراطِ من است این ره مستقیم بپوید همه این صراطِ سلیم
نپوید راهِ پر از تفرقه که گردید پریشان و پردغدغه
سفارش چنین بوده از کردگار بگردید شما جمله پرهیزگار

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ
بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

عطا ما بکردیم آنکه کتاب به موسی^۱ تماماً ز آیاتِ ناب
 ز رحمت بگردید مفصل بیان برای هدایت بر آن بندگان
 که آرند ایمان مگر اجمعین لقای خداوند و هم یومِ دین

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

بگردید نازل کنون این کتاب بود بس مبارک همی مستطاب
 کنید پیروی از فرامینِ حق شوید رحمتش را مگر مستحق

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ

بهانه نیارید که گوئید چنان کتاب‌هایی در قبل گردید بیان
 به اقوام ماضی و دو طایفه یهود و نصارا شده این همه
 که ما از تعلّم ز آن اجمعین بگشتیم غافل، نیاورده دین

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ ۖ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى
 وَرَحْمَةٌ ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بَايَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا ۚ سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ
 آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

و یا آنکه گوئید اگر یک کتاب فرستاده می‌شد به ما با خطاب
 برفتیم به راه هدایت به حق بسی بهتر از مردمان در سبق
 از این رو رسید حجتی آشکار کتاب هدایت ز پروردگار
 ستمکارتر کیست زان بی‌فروغ؟ که آیاتِ حق را بخواند دروغ

بگردانده روی خود از کردگار ببیند به زودی بسی آشکار
که آریم مجازاتی بر آن لئیم رسد هم بر ایشان عذابی الیم

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي
بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا
قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

﴿۱۵۸﴾

بوند منتظر جمله از روی شک؟ که آید به قهر بهر ایشان ملک؟
و یا منتظر بوده امری محال؟ که آید بر ایشان خدایت مثال؟
و آیاتی نیز از خدایت چنان؟ رسد بالوضوح سوی این ابلهان؟
و یا که علائم ز بعضی عذاب؟ ببینند ایشان همی بی حجاب؟
به حتم آید آن روز اندر شهود ولیکن ز ایمان نیابند سود
چو ایمان نیاورده‌اند از سبق بردند ز یاد وعده‌ها را ز حق
نیاورده از کسب خود منفعت برای ذخیره در این آخرت
بگو که شما پس کشید انتظار و ما منتظر مانده بافتخار

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم
بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

﴿۱۵۹﴾

کسانی که بر دین حق و طریق کنند تفرقه سوی چندین فریق
نباشی تو مسئولشان ای رسول! چو کردند ز دین خداوند عدول
مجازات ایشان بود با خدا شوند آگه از این جفا و خطا

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ

﴿۱۶۰﴾

هر آن کس که نیکو نماید عمل دهد ده برابر خداوند بدل
و آن کس که کردست کارِ تباه عقوبت نبیند به بیش از گناه
ستم هم نگردد به کس در عِقاب چشد هر کسی خود به حدّش
عذاب

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

﴿۱۶۱﴾

رسولا! بیان کن که در راه راست خداوند واحد مرا رهنماست
به دین و به آیینی چون ابرهیم که باشد حنیف سوی ربّ رحیم
مبری! بود دینی قیّم چنین ز شرک و ز لوث همه مشرکین

قُلْ إِن صَّلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

﴿۱۶۲﴾

بگو ای پیمبر! نمازم و کیش همه زندگانی و هم مرگ خویش
سپارم همگی ز دل و ز جان نثار تو ای خالقِ دو جهان!

لَا شَرِيكَ لَهُ ۖ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

﴿۱۶۳﴾

نباشد شریکی به ذاتِ اله از این امر هادی بگشتم به راه
به تسلیم کامل منم اولین به راه هدایت و از مسلمین

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۚ وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۚ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ
وِزْرَ أُخْرَى ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

﴿۱۶۴﴾

رسولا! سؤال کن که جز کردگار
 یگانه خداوند مرا رهنماست
 نیندوخته هیچ کس ز فعل پریش
 نیاید به دوش باری از دیگران
 سپس سوی خالق روید جملگی
 کند مطلع حق شما را عیان
 نمایم خدایی دگر اختیار؟
 به هر چیز مالک و فرمانرواست
 مگر آنکه بیند نتیجه به خویش
 چه ریز یا درشت بوده گر بارِ آن
 کنید رجعتی بعد از این زندگی
 ز آنچه خلاف کرده‌اید در جهان

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

﴿۱۶۵﴾

بود او خدایی که روی زمین
 بداد رتبه‌ها مختلف جملگی
 که از عزّت و ذلّت و مال و جاه
 سریع‌العقاب است خدایت، سلیم!
 قرار داد شما جای آن سابقین
 گروه در گروه اندر این زندگی
 شما را کند امتحان گه به گاه
 اگر چه غفور باشد و هم رحیم